

# یادداشتی درباره منابع تاریخ اوایل ریاضیات اسلامی با افزوده‌ها و اصلاحاتی بر تاریخ نگارش‌های عربی (ج ۵، ریاضیات)<sup>۱</sup>

دیوید کینگ

ترجمه احمد رضا رحیمی ریشه

مطلبی که در پی می‌آید، نوشته‌ی پروفیسور دیوید کینگ، استاد برجسته تاریخ ریاضیات و نجوم اسلامی است که به عنوان بررسی و نقد جلد پنجم تاریخ نگارش‌های عربی (ریاضیات)، تألیف فؤاد سزگین، همراه با افزوده‌ها و اصلاحاتی در یکی از نشریات امریکا به چاپ رسیده است. افزوده‌ها و اصلاحات پروفیسور دیوید کینگ به فارسی برگردانده شده و هر کدام در جای خود آمده و همراه ترجمه فارسی جلد پنجم تاریخ نگارش‌های عربی به چاپ خواهد رسید. اما از آنجا که مقدمه نوشته پروفیسور کینگ، از یک طرف شامل نکات مهمی درباره جلد پنجم از کتاب سزگین و روش اوست و از طرف دیگر شیوه‌ی نگارش نقد و بررسی صحیح را آموزش می‌دهد، اقدام به چاپ آن شده است. پانویس‌های با علامت «م» از نویسنده‌ی این سطور است.

مورخان علوم اسلامی تا چندین دهه همچنان وامدار زحمات پروفیسور فؤاد سزگین خواهند بود. آخرین جلد از کتاب دوران‌ساز او، تاریخ نگارش‌های عربی، درباره ریاضیات است. جلد دیگری از آن، در باره‌ی نجوم و احکام نجوم، زیر چاپ است.<sup>۲</sup> این دو، اساسی‌ترین مراجع برای منابع و کتاب‌شناسی دست‌نویس‌های علوم دقیقه در دوره‌ی کلاسیک تمدن اسلامی به‌شمار می‌آیند.<sup>۳</sup> این دو جلد نه تنها جایگزین تمامی تحقیقات و بررسی‌های کتاب‌شناختی پیشین خواهد شد — چرا که همه‌ی اطلاعات موجود در آن‌ها را در خود گنجانده است — بلکه به میزان قابل توجه مطالب تازه‌ای را، که سزگین در ۲۵ سال گذشته یافته است، ارائه می‌دهد.

فهرستی که سزگین در خصوص مواد مرجع ریاضی موجود تهیه کرده است، چالشی در برابر اسلام‌شناسان می‌نهد و امیدوارم شمار بیشتری از محققان نسبت به معدود پژوهشگرانی که هم‌اکنون به این علوم در دوره‌ی میانه‌ی اسلامی می‌پردازند، به آن‌ها توجه کنند. جای

تأسف است که این جنبه‌ی خاص از تمدن اسلامی در گذشته نادیده گرفته شده بود، چنان‌که می‌بینیم بسیاری از پراهمیت‌ترین نوشته‌های دانشمندان مسلمان هنوز به چاپ نرسیده و یا در دوران معاصر تحقیق و پژوهشی در باره‌ی آن‌ها اعلام نشده است. هنوز هیچ اثر عمومی درباره‌ی علوم اسلامی وجود ندارد که بتواند تصویر درستی از فعالیت مسلمانان در این زمینه به دست دهد.<sup>۴</sup> در این جا، آن جلد از کتاب سزگین که به ریاضیات می‌پردازد، بررسی و نقد می‌شود. یکی از بحث‌های حاضر این است که آیا لزوماً دو مقوله‌ی ریاضیات و نجوم را می‌بایست در جلد‌های جداگانه بررسی و تحقیق کرد؟ این پرسش از آنجا برمی‌خیزد که به جز چند استثنای چشمگیر، ریاضی‌دانان پیشتاز دوره‌ی میانه‌ی اسلام در حقیقت منجم بودند. همچنین، نجوم دوره‌ی میانه‌ی اسلام ضرورتاً بر مبنای ریاضیات است و پیشرفت شیوه‌های ریاضی در اسلام به‌خوبی در نوشته‌های نجومی و نیز در آثاری که با حساب، جبر و هندسه سر و کار دارند،

۱. این یادداشت همراه با افزوده‌ها و اصلاحات در *Journal of the American Oriental Society*، سال ۹۹ (۱۹۷۹م)، ش ۳، ص ۴۵۰ - ۴۵۹ به چاپ رسیده است - م.

۲. جلد مربوط به نجوم در ۱۹۷۸ م و جلد مربوط به احکام نجوم در ۱۹۷۹ م منتشر شد - م.

۳. آثار زوتر، بروکلیمان و استوری برای دوره‌ی پس از ۴۳۰ ق همچنان اصلی‌ترین منابع و ارجاعات برای ریاضیات و نجوم اسلامی باقی مانده‌اند. شمار آثار منحصراً ریاضی نگاشته‌شده از سوی محققان مسلمان پس از ۴۳۰ ق بسیار اندک است، اما چنین وضعیتی درخصوص آثار نجومی دیده نمی‌شود. به نظر من مناسب‌ترین راه حل برای سنت‌های علمی بعدی، بررسی بر پایه تقسیمات جغرافیایی عمده است، مانند: الف. مصر، سوریه و یمن؛ ب. عراق و ایران؛ ج. اندلس و مغرب؛ د. ترکیه دوره عثمانی. من در حال حاضر سرگرم گردآوری موادی برای بررسی منابع دست‌نویس درباره‌ی سنت‌های نجومی و ریاضی در مصر، سوریه و یمن هستم، و بر آنم تا توصیف مختصری درباره هر یک از آثار به همراه فهرست‌های دست‌نویس‌های موجود در دسترس ارائه دهم. فایده این تحقیق، شناسایی آن‌دسته از منابع اولیه است که فقط در منابع بعدی حفظ شده‌اند، و همچنین، از این رهگذر پیشرفت متعاقب نجوم اسلامی و افول آن نیز به شکل مستند بررسی می‌شود.

۴. چاپ اخیر *Islamic Science: an Illustrated Study*، لندن، ۱۹۷۶م، تألیف سید حسین نصر، تغییری در این وضعیت نمی‌دهد.



بازتاب پیدا کرده است. بنابراین، بیشتر موضوعات مورد توجه علم ریاضیات مانند شیوه‌های محاسبه، مثلثات مسطح و کروی، جدول‌های عملیات مثلثاتی و موارد مشابه و نیز کاربرد پیوسته‌ی شیوه‌های کمکی در حل مسائل نجوم کروی، در آثار نجومی وجود دارد. هنوز اندکی از این اثر به شکل چاپی در دسترس است.

البته سزگین شناخت خوبی از این مسأله دارد و انتشار قریب‌الوقوع جلد مربوط به نجوم، بسیاری از نقص‌های موجود در جلد مربوط به ریاضیات را، که از این تقسیم‌بندی برمی‌خیزد، برطرف می‌کند. با وجود این، سزگین قصد خود را از چیزی که تحت عنوان «ریاضیات» به بحث می‌گذارد، آشکار نمی‌سازد.

همچنین، سزگین تقسیم‌بندی پیشنهادی خود را میان

ریاضیات و نجوم به بحث نمی‌گذارد. در فصلی که درباره‌ی پیشرفت ریاضیات عربی بحث می‌کند، او جداگانه به موضوعات گوناگون نظریه‌ی شمارگان، حساب، جبر و هندسه نمی‌پردازد، در حالی که این جلد از کتاب او در باب همین مباحث یاد شده است.

از موارد شگفت‌انگیز دیگر این است که برای مثال، رساله‌های بطلمیوس در خصوص دستگاه تعیین مدار و موقعیت ستارگان و اسطرلاب مسطح، با ذکر پاره‌ای جزئیات، در جلد پنجم تاریخ نگارش‌های عربی به بحث گذاشته می‌شود، اما توضیحات مربوط به المجسطی به زمانی دیگر واگذاشته شده است. زیچ خوارزمی هرچند به شکل تغییر یافته‌اش در دسترس است و یکی از منابع اصلی اطلاعات ما درباره‌ی شیوه‌های نخستین ریاضیات اسلامی به‌شمار می‌آید (و یکی از معدود آثار علمی اسلامی است که بررسی شایسته‌ای در خصوص آن انجام گرفته است)، قانون مسعودی که مهم‌ترین اثر بیرونی در باب نجوم ریاضی به‌شمار می‌آید و نیز مقالید علم الهیثه، که کتاب اصلی بیرونی در خصوص مثلثات کروی است (نک: پس از این) به‌کلی از جلد پنجم تاریخ نگارش‌های عربی حذف شده‌اند و حضوری در آن ندارند.

تحقیق مختصر سزگین در خصوص علاقه و توجه دنیای غرب به ریاضیات اسلامی (ص 1-7)، تجلیل بایسته‌ای است از چهار محقق که زحماتشان مبنایی برای شناخت کنونی ما از این مبحث است. این چهار تن عبارتند از فرانتس ووپکه، هاینریش زوتر، ماکس کراوزه، و پاول لوکی. جنبه‌ی دیگری از کار سزگین که با اهمیت به‌شمار می‌آید، گردآوری منابع مورد استفاده در تحقیقات ایشان و دیگر تحقیقات جدید در یک جلد است. به‌راستی که در لابه‌لای صفحات اثر سزگین، کتاب‌شناسی دانش نوین در باب نخستین روزگاران ریاضیات اسلامی در ایالات متحده، ایران و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] آمده است. با این‌همه، مسأله‌ای که سزگین به هنگام تحقیق درباره‌ی آغاز سنت ریاضی اسلامی (ص ۲۴-۷)، پیشرفت آن در دوره‌ی کلاسیک (ص ۴۹-۲۵) و نیز دستاوردهای بیشتر در فاصله‌ی سده‌های ۵-۹ ق/ ۱۱-۱۵ م (ص ۶۹-۴۹) با آن روبه‌روست، اندک‌شمار بودن تحقیقات نظام‌مند در باره‌ی علم ریاضیات اسلامی است. آن چند پژوهشگر معدودی که در این زمینه کار کرده‌اند، آثار یا عناوین خاص مورد علاقه‌ی خود را برگزیده‌اند. هیچ‌گونه اثر نظام‌مندی در خصوص منابع ریاضی یا نجومی دوره‌ی میانه‌ی اسلام به‌چاپ نرسیده است. به همین دلیل، چنان‌که نویگباور نیز به‌تازگی گفته است، نکاتی که در بحث‌های علم ریاضیات و نجوم گفته می‌شود، تا اندازه‌ی زیاد برخاسته از حدس و گمان باقی می‌ماند.

تنها توصیف کلی در باب ریاضیات اسلامی، که پیش از این در سده‌ی بیستم میلادی نگاشته شده، تألیف یوشکویچ است که در ۱۹۶۱م در روسیه به‌چاپ رسید و ترجمه‌ی آلمانی آن نیز در ۱۹۶۴م منتشر شد.<sup>۱</sup> اهمیت این اثر در آن است که مؤلف توانسته است به ریاضیات اسلامی در پرتو ریاضیات دوره‌ی میانه به‌طور کلی بنگرد و شالوده‌ی تحقیق خود را بر دامنه‌ی وسیعی از منابع و کتاب‌هایی که در درجه‌ی دوم اهمیت هستند، قرار داده است. با این‌همه، تحقیق یوشکویچ کاستی‌هایی دارد،

۱. فصلی که در باب ریاضیات است، اکنون در ترجمه‌ی فرانسه با عنوان

*Les Mathematiques Arabes (VIIIe-Xve Siecles)*, Paris: J. Vrin,

1976 به چاپ رسیده است، که البته مؤلف و مترجم آن:

M. Cazenava و K. Jaouiche با افزودن مواد تازه‌ای آن را به‌روز

کرده‌اند (درباره‌ی آن نک: نقد و بررسی از کندی، در:

*Journal for the History of Arabic Science*, 1(1977), p. 111.

زیرا، افزون بر این که اغلاطی در آن به چشم می‌خورد، مؤلف توجه چندانی به آثار نجوم اسلامی به‌عنوان منبع اصلی تاریخ ریاضیات در دوره‌ی میانه نکرده است. دو جلد کتاب سزگین که در باب ریاضیات و نجوم است، تاریخ صحیح‌تر و با جزئیات بیشتری را در خصوص ریاضیات اولیه‌ی اسلامی فراهم می‌آورد. با این‌همه، نباید فراموش کرد که اکثر آثار فهرست‌شده از سوی سزگین هنوز به‌چاپ نرسیده است. برای هر اظهار نظر معقول در خصوص مشارکت مسلمانان در این جنبه از علم ریاضیات، چه به‌شکل حساب‌انگشتی و جبر ساده برای محاسبه، چه به‌شکل عناوین غامض‌تر همچون جبر چندشمارگانی و راه حل معادلات، فرضیه‌ی موازی‌ها و مماس‌ها، یا هندسه‌ی کروی، باید مجموعه‌ی متون چاپی مربوط به عناوین خاص بررسی شود.

در خصوص برخی مفاهیم ریاضی که متأسفانه از منابع اولیه‌ی معاصر برگرفته شده‌اند، چند اشتباه اصلی به چشم می‌خورد. البته سزگین در این‌جا از پژوهشگران طراز اولی همچون هاینریش زوتر، کارل شوی و پاول لوکی نقل قول کرده است و نمی‌توان از این نظر بر او خرده گرفت...<sup>۱</sup>

بخش اصلی کتاب سزگین (ص 70-398) فهرستی است، بر اساس نام مؤلفان، از همه‌ی آثار و دست‌نویس‌های شناخته‌شده و نیز کتاب‌شناسی منابع درجه دو مربوط به آن، که شامل ملاحظاتی در باره‌ی شرح احوال و دستاوردهای ریاضی آن‌ها نیز می‌شود و آن‌ها را می‌شناساند. این فهرست با مؤلفان یونانی و هندی، که آثارشان در جهان عرب به‌شکل نقل قول یا ترجمه شناخته شده است، آغاز می‌شود. این نخستین باری است که پژوهنده‌ای معاصر دست به چنین طبقه‌بندی زده است. هم‌چنین، سزگین در خصوص مؤلفان یونانی با دقت تمام همه ترجمه‌ها، چاپ‌ها و شروح موجود را به‌شکل مستند ذکر کرده است و بحث خود را به آثار تألیف‌شده پیش از ۴۳۰ ق محدود نمی‌سازد.

منابع جدیدی که سزگین بر آن‌ها تکیه کرده است، اساساً در کتابخانه‌های مغرب، مصر، ترکیه و ایران وجود دارند. برخی از این نهادها تسهیلات ارائه‌ی میکروفیلم از دست‌نویس‌های خود را نداشتند یا تقاضاهایی غیرمنطقی در ازای در اختیار قراردادن میکروفیلم‌ها مطرح کردند و یا به‌کلی از ارائه‌ی هرگونه میکروفیلم سرباز زدند.

در چند کتابخانه‌ی اصلی خاور نزدیک و به‌خصوص در اتحاد جماهیر شوروی [سابق]، محقق‌ی که می‌کوشد دست‌نویس‌های حقیقی را جست‌وجو کند، درمی‌یابد که خواسته و آرزوی مدیران کتابخانه یا حکومت محلی با مفهوم سنتی کتابخانه به‌عنوان مکانی که مردم در آن کتاب می‌خوانند تا اطلاعاتی گرد آورند، تداخل می‌کند. این مسأله که یکی از همین کتابخانه‌های اصلی، که هم‌اکنون آماده‌سازی ترجمه‌ی عربی کتاب سزگین را بر عهده دارد، با اتخاذ خط مشی خاص خود از اعطای میکروفیلم‌ها به محققان انفرادی خودداری می‌کند تناقض دارد و حتی واقعه‌ای دردناک است. دامنه‌ی سخاوت فکری سزگین تا آن‌جاست که حتی کمک به اسلام‌شناسان برای دسترسی به میکروفیلم‌ها از چنین کتابخانه‌هایی را دربرمی‌گیرد. به‌راستی که او شخصاً سهولت دسترسی محققان به قرائت‌خانه‌های این نهادها را فراهم آورده است. آثار نخستین اسلامی موجود در دست‌نویس‌های منحصربه‌فرد چنین کتابخانه‌هایی اندک‌اند و این تا اندازه‌ای مایه‌ی آرامش است. با این‌همه، اهمیت کتابخانه‌های مغرب، مصر و ایران بیشتر برای نگه‌داری نوشته‌هایی است که برای مستندسازی تاریخ علم در این مناطق، برای دوره‌ی مابعدکلاسیک ضروری به‌شمار می‌آیند و سزگین به این امر پرداخته است.

با وجود دشواری‌هایی که بر سر راه محققان علاقه‌مند به جست‌وجو یا دسترسی به دست‌نویس‌های مربوط به بسیاری از نوشته‌های فهرست‌شده از سوی سزگین وجود دارد، ذکر این موضوع خالی از لطف نیست که آثار بی‌شمار مربوط به دوره‌های عباسی و آل‌بویه در معدود دست‌نویس‌هایی که مجموعه‌های بزرگ رساله‌های ریاضی را تشکیل می‌دهند، برجای مانده‌اند. نمونه‌هایی از این دست‌نویس‌ها، که در سراسر کتاب سزگین از آن‌ها نقل شده است، عبارتند از دست‌نویس‌های ایاصوفیا ۴۸۳۰ و ۴۸۳۲؛ کتابخانه‌ی ملی پاریس ar. 2457 و ar. 2458؛ چستر بییتی ۳۶۵۲؛ ریاضه ۴۰ م و ۴۱ م در دارالکتب مصر؛ بانکی‌پور ۲۴۶۸؛ سپهسالار تهران ۵۵۹ و ۵۹۷ و لیدن Or. 168 و Or. 399. چنان‌چه این «مجموعه‌ها» را که همه‌ی مواد آن‌ها، هنوز به‌خوبی فهرست نشده‌اند،

۱. پروفیسور کینگ در این‌جا شماری از این اشتباهات را طرح و اطلاعات جدیدتر و صحیح را ارائه می‌کند. ما آن‌ها را ذیل صفحات مربوط به خود آورده‌ایم - م.



بتوان به شیوه‌ی نسخه‌برگردان منتشر کرد، خدمت شایانی به پژوهشگران این حوزه از علوم شده است. این راه حل در نهایت رضایت‌بخش‌تر از تلاش بر «تصحیح» نسخه‌های منحصر به فرد رساله‌های پراهمیت است، کاری که در خصوص دست‌نویس 2468 بانکی‌پور انجام گرفت (و در چند مجلد در حیدرآباد به چاپ رسید). افزون بر این، ممکن است پژوهشگری که به‌تنهایی فعالیت می‌کند، ناچار شود چندین سال از وقت خود را صرف به دست آوردن میکروفیلم‌های دست‌نویس‌های پیش‌گفته کند.

روش سزگین در ذکر شمار برگ‌های نسخه و تاریخ‌های کتابت، چنانچه امری ضروری تلقی شوند، مزیت بزرگی نسبت به بروکلیمان به‌شمار می‌آید. سزگین نیرو و توان زیادی وقف سفر به کشورهای اروپایی و خاور نزدیک و حضور در کتابخانه‌های آنان به منظور گردآوری این اطلاعات کرده است. کار با فهرست‌های دست‌نوشته‌ی کتابخانه‌ها، که هنوز به شکل فهرست چاپی ارائه نشده‌اند، او را دچار زحمت بسیاری کرده است. نویسنده‌ی حاضر بیش از هر کس دیگری می‌داند که معنای ذکر دست‌نویسی همچون دست‌نویس قاهره، مجموعه‌ی طلعت «مجامیع»، ذکر شمار برگ‌ها و تاریخ کتابت، که سزگین بر آن همت گمارده است، چیست.<sup>۱</sup> کار سزگین حاصل بررسی صدها فهرست با کیفیت و اعتبار متفاوت است. برخی از آن‌ها بر اساس عنوان و بی‌توجه به موضوع ترتیب یافته است و برخی دیگر چیزی به جز سیاهه‌هایی با مدخل‌هایی همچون رسالة فی الحساب، مجهولة المؤلف و بلاتاریخ نیستند.

بی‌تردید دست‌نویس‌های جدیدتر از نوشته‌های ریاضی به زبان عربی که در جلد پنجم تاریخ نگارش‌های عربی سزگین فهرست شده‌اند، زمانی شناخته خواهند شد که برخی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های دست‌نویس‌های علمی در خاور نزدیک برای نخستین بار فهرست‌نویسی شوند یا اشتباهات موجود در فهرست‌ها مشخص شود. تنها در کتابخانه‌ی ملی مصر ده‌ها دست‌نویس موجود است که در کتاب تاریخ نگارش‌های عربی ذکری از آن‌ها نشده است. دلیل این امر در این است که، پیش از زمان حاضر، اکثر دست‌نویس‌های علمی فهرست نشده بودند،<sup>۲</sup> و شناسایی آثار یادشده در دست‌نویس‌ها از روی «سجلات»

موجود — که در واقع سیاهه‌هایی غیرقابل‌اعتمادند و فقط در کتابخانه‌ی ملی مصر می‌توان به آن‌ها مراجعه کرد — امکان‌پذیر نبوده؛ با این‌همه، سزگین از مهارت خارق‌العاده‌ای برای شناسایی موضوعات برخوردار است. این حقیقت به‌خوبی در بخش افزوده‌های مندرج در انتهای ج ۵ بازتاب پیدا کرده است، که نه تنها جلد‌های پیشین تاریخ نگارش‌های عربی را دربر می‌گیرد، بلکه جلد در دست تهیه را نیز تکمیل می‌کند.

آنچه اکنون می‌توان به کتاب‌شناسی [منابع] افزود، شماری از مقالات مرتبط به موضوع در چاپ جدید *Dictionary of Scientific Biography* است که به‌هنگام تهیه‌ی جلد پنجم تاریخ نگارش‌های عربی هنوز به چاپ نرسیده بود، اما بی‌شک این مقالات به جلد ششم افزوده خواهد شد. برخی از این مقالات، از معتبرترین توصیف‌ها برای آثار چاپ‌شده مؤلفان خاص است. سزگین شمار محدودی از اطلاعات افزوده دربارهٔ آثار چند مؤلف را همچون ابن سینا و شاگردش، عبدالواحد جوزجانی (ص ۱۰۸)، و انطاکی (ص ۳۱۰)، محمدبن ایوب طبری (ص ۳۸۶ - ۳۸۵)، و همچنین، البته، تحریرها و روایت‌های دست‌نویس‌های فارسی آثار علمی یونانیان که از کتاب چارلز آمبروز استوری با عنوان *Persian Literature: a Bio-bibliographical Survey* (لندن، ۱۹۵۸م) استخراج شده، فهرست کرده است. شمار اندکی از گزیده‌های مهمی از نخستین آثار علمی عربی، فقط به زبان فارسی موجودند. بنا بر این، برای مثال، زیج نسوی ریاضی‌دان (ص ۳۴۸ - ۳۴۵) به صورت اصلی خود به زبان عربی وجود ندارد، اما شاگرد او، شهرمدان رازی (استوری، ش ۸۱)، از آن برای نگارش نوشته‌ی مختصری به زبان فارسی در باب احکام نجوم با عنوان *روضه‌المنجمین* استفاده کرده بود. چندین دست‌نویس از این کتاب موجود است که برخی از مواد منسوب به نسوی را دربر دارد.

۱. فهرست جدیدی برای مجموعه‌ی طلعت و «مجامیع» مجموعه

تیمور از سوی س. عبدالعال و ک. مصطفی در دست تهیه است، اما من نتوانستم از آن استفاده کنم.

۲. فهرست جدیدی از ۲۵۰۰ دست‌نویس عربی، فارسی و ترکی در باره‌ی نجوم، احکام نجوم و ریاضیات که در کتابخانه ملی مصر نگاه‌داری می‌شوند، در ماه مه ۱۹۷۸م از سوی نویسنده‌ی حاضر برای انتشار تحویل این کتابخانه شد.



## خلط میان دو شخصیت

حسن انصاری قمی<sup>۱</sup>

نویسنده این سطور از سال‌ها پیش مطالعه بر روی رجال حدیث و فقه و کلام امامی را در دوره میانی شیخ طوسی و منتجب‌الدین رازی، به دلیل کاری که به عنوان تکمله تحقیق متن کتاب فهرست منتجب‌الدین در دست انجام دارد، پی گرفته است. مرحوم محقق طباطبایی در اواخر عمر پربرکتشان طبع دوم فهرست منتجب‌الدین را به نویسنده این سطور واگذار کردند و من نیز متن کتاب را باری دیگر با دست‌نوشته‌های اولیه محقق طباطبایی مقابله کردم و هم در مقدمه و هم در متن و یا حواشی کتاب به موارد زیادی برخوردیم که یا از چاپ نخست افتاده بود و یا از مطالبی بود که به خط آن مرحوم در اختیار من برای مدتی قرار گرفت و جزء تعلیقات و اصلاحاتی بود که آن مرحوم بعدها در دو نسخه چاپی شخصی خود افزوده بودند و نویسنده این سطور به تزیق آنها در داخل تحقیق جدید مبادرت کرد. بنا به سفارش آن مرحوم، من تمامی اصلاحات و اضافات را بر اساس منابع پیشگفته در ویرایش جدید داخل کردم و علاوه بر آن، باز به سفارش ایشان تعدادی از کتاب‌های مهم در تراجم و رجال را که ایشان بنا داشتند در تکمیل تعلیقاتشان به آنها نیز مراجعه کنند، مورد مراجعه قرار دادم و البته لازم بود که در مواردی که کتاب‌ها در سال‌های پس از چاپ نخست، منتشر شده بود و آن مرحوم از نسخه‌های خطی آن بهره برده بودند، ارجاعات اصلاح کردند. مواردی هم در تعلیقات مرحوم محدث ارموی بر فهرست منتجب‌الدین وجود داشت که ایشان به احترام کار ایشان در چاپ خود عموماً اشاره‌ای به آن موارد نکرده بودند و البته پس از انتشار تحقیق مرحوم محدث، دیگر نیازی به این حساسیت دیده نمی‌شد و لازم بود که آن موارد هم در شکل ویژه خود در تعلیقات طبع جدید مورد ملاحظه قرار گیرند. با این وصف با توجه به اجازه‌ای که از آن مرحوم داشتم، تصمیم گرفتم که آنچه در حوزه کار ایشان بوده است و یا به نحوی ایشان توصیه خاص نسبت به اعمال آن موارد داشته‌اند (مانند شماری از کتاب‌های

آنچه در بالا ذکر شد و افزوده‌هایی که در پی می‌آید، نباید به منزله انتقاد از کار بزرگ سزگین قلمداد شود و به‌راستی نیز چنین قصدی در میان نبوده است. بلکه باید امیدوار بود که همان اندک‌محققانی که در این زمینه فعالیت دارند، چنین اطلاعاتی را، که به زعم خود می‌تواند به کامل‌شدن مجلد حاضر کمک کند، ارائه دهند. بی‌تردید، هیچ‌کس بیش از خود سزگین سپاسگزار این کار نخواهد بود، چنان‌که خود تصدیق می‌کند (ص ۲۵): «اکنون، ما هنوز فاصله‌ی بسیاری با ارائه‌ی کامل علوم عربی داریم، زیرا خلأهای چشم‌گیری وجود دارد. بسیاری از آثار مفقود شده است و شمار دیگری از آنها، که از وجودشان آگاهی داریم، هنوز بررسی نشده‌اند.»

آن جلد از کتاب سزگین که در باره‌ی ریاضیات است (۵۱۵ صفحه) در ۱۹۷۴م و آن جلد که در باره‌ی شعر است (۸۰۸ صفحه) در ۱۹۷۵م به چاپ رسیده است. بنابراین، مجلد حاضر در باب ریاضیات را نمی‌توان به‌تنهایی ارزیابی کرد، بلکه باید آن را یکی از جلدهای مجموعه‌ای دانست که سزگین در آنها به‌گونه‌ای نظام‌مند، علوم قرآنی، نوشته‌های حدیثی، تاریخ، فقه، عقاید، تصوف، شعر، پزشکی، داروسازی، جانورشناسی، کیمیا، شیمی، گیاه‌شناسی، کشاورزی و اکنون ریاضیات و به‌زودی نجوم و احکام نجوم، فیزیک و فلسفه را بررسی کرده است. نویسنده‌ی مقاله‌ی حاضر همچنان از دست‌آورد عظیم سزگین حیران و شگفت‌زده است.

یادداشت‌هایی که در پی می‌آید، مدخل‌های سزگین برای برخی از مؤلفان را تکمیل می‌کند. در این مرحله، افزودن دست‌نویس‌های دیگر از آثاری که سزگین چندین نسخه از آنها را فهرست کرده است، کار بیهوده‌ای خواهد بود. تلاش من بر این بوده است که نقد خود را به آثار ریاضی و آثار نجومی که با تاریخ ریاضیات پیوند خاصی دارد، محدود سازم. این یادداشت‌ها بیش از هر چیز نقل قول‌ها و ارجاعات کتاب‌شناختی هستند و من در خصوص گفته‌های آغازین سزگین درباره‌ی مؤلفان و دستاوردهایشان اظهار نظری نکرده‌ام، زیرا اساساً نتیجه‌گیری‌های سزگین بر پایه‌ی نوشته‌های درجه‌ی دوم است.

۱. پژوهشگر متون رجالی، حدیثی و کلامی

